

جنبه‌های فراداستانیِ رمان

«خنده در تاریکی»

الاهه دهنوی

امانت می‌گیرد). خواننده هنگامی که رمانی را در دست می‌گیرد، می‌داند که با برساخته‌ای روبه‌روست که محصول تخیل و تجربه نویسنده است، اما در جریان خواندن با داستان همچون واقعیت برخورد می‌کند، چون به این ترتیب به لحاظ عاطفی بیشتر درگیر می‌شود. به عبارت دیگر، خواننده به طور دلخواهی داستان تخیلی را همچون ماجرای رُخ‌داده تصور می‌کند تا از تجربه خواندن بیشتر لذت ببرد. رمانهای رئالیستی با ارائه توصیف جزئیات زندگی روزمره و تصویر دغدغه‌های روزانه مردم، به این تعلیق ناباوری کمک می‌کنند و تا جایی

پیش می‌روند که توهم ارائه واقعیت را در ذهن خواننده ایجاد می‌کنند. رمانهای رئالیستی این باور را القا می‌کنند که قادر به ارائه حقیقت زندگی هستند و آنچه در قالب داستان می‌دُمایند، تصویری از واقعیت است. حال آنکه فراداستان رابطه اختیاری میان کلمات و اشیاء را بر بسته می‌کند، و این واقعیت را برای خواننده آشکار می‌کند که معنا از طریق زبان ساخته می‌شود و اثر ادبی چیزی جز یک برساخته متنی نیست.

یکی از روشهایی که برای زدودن این توهم در فراداستان به کار می‌رود، چارچوب‌شکنی است. یک اثر ادبی داستانی در قالب مجموعه‌ای از هنجارها و سنتهای ادبی جای می‌گیرد و به خواننده عرضه می‌شود. وجود این چارچوبها این ایده را که ادبیات داستانی جلوه‌گر واقعیت است، تشدید می‌کند. فراداستان با بر بسته کردن این چارچوبها توجه خواننده را متوجه نقش هنجارهای ادبی می‌کند. به عبارت دیگر، فراداستان به واسطه آشکار کردن سنتها و هنجارها، توهم غیرقابل مشاهده بودن چارچوبها را می‌شکند و از این طریق ساختگی بودن اثر را برملا می‌کند.

در رمان *خنده در تاریکی* که نمونه‌ی ظریفی از فراداستان است، نابوکوف زیرکانه و آگاهانه با عرفها و سنتهای معمول رمان بازی می‌کند و در مقابل انتظار خواننده، پاسخی نامتعارف و غیرمنتظره ارائه می‌دهد.



خنده در تاریکی. ولادیمیر نابوکوف. ترجمه امید نیک فرجام. چ ۴. تهران: مروارید، ۱۳۸۵. ۲۵۶ ص.

ولادیمیر نابوکوف (۱۸۹۹ - ۱۹۷۷) بی‌شک یکی از برجسته‌ترین چهره‌های ادبی قرن بیستم است که با طراحی هوشمندانه داستانهایش توجه خوانندگان و منتقدان بسیاری را به خود جلب کرده است. نابوکوف با آگاهی خلاقانه و انتقادی از عرفهای روایت، داستانهایش را پیش می‌برد، خواننده را در این آگاهی شریک

می‌کند و این فرصت را برای او فراهم می‌کند که در جریان خواندن رمان لذتی متفاوت را تجربه کند؛ لذتی که نه در اثر واقعی پنداشتن داستان، بلکه به واسطه آگاهی از ماهیت ساختگی آن به دست می‌آید. همان‌طور که کانولی به نقل از برایان بوید می‌گوید، نابوکوف «همه جنبه‌های رمان را به چالش می‌کشد و زیر سؤال می‌برد و به آنها جان تازه‌ای می‌بخشد»^۱.

پاتریشیا و در کتاب *فراداستان: نظریه و شیوه‌های داستان خودآگاه*، اصطلاح فراداستان را به آن دسته از نوشتار داستانی اطلاق می‌کند که «آگاهانه و نظام‌مند، توجهات را به وضعیت تصنعی خود جلب می‌کند تا رابطه میان داستان و واقعیت را به سؤال بکشد»^۲. این نوع نوشتار به جای آنکه برخط روایت متمرکز باشد و به کمک عرفهای ادبی خود را واقعی بنماید، توجه فراوانی به صناعت‌های ساختاری و شکل خود دارد و «نوشتن» را به موضوع اصلی خود تبدیل کرده است. فراداستان برخلاف ادبیات داستانی رئالیستی تظاهر نمی‌کند که بازتابی از زندگی واقعی است، بلکه پیوسته ماهیت تصنعی خود را آشکار می‌کند. به همین خاطر، نسبت به عرفها و سنتهای ادبیات داستانی نگاهی انتقادی دارد و تعاریف معمول خواننده از این قراردادها را به چالش می‌کشد.

پاتریشیا و استدلال می‌کند که ما به کمک «تعلیق ناباوری» است که می‌توانیم رمان بخوانیم (وی این اصطلاح را از کولریج به

خنده در تاریکی داستان مردی به نام آلبینوس است که به عشق دختری کم سن و سال خانواده‌اش را ترک می‌کند و زندگی خود را به تباهی می‌کشد. یکی از قواعد رمان این است که خواننده ذره‌ذره پیش می‌رود و وقایع انسانی را به تدریج کشف می‌کند، با تأخیر مواجه می‌شود و در پایان به پی‌رنگ رمان و چیستی و چگونگی بروز وقایع دست می‌یابد. اما رمان خنده در تاریکی از این قاعده پیروی نمی‌کند. در زیر، پاراگراف آغازین رمان آمده است:

«روزی روزگاری در شهر برلین آلمان مردی زندگی می‌کرد به نام آلبینوس. او متمول و محترم و خوشبخت بود؛ یک روز همسرش را به خاطر دختری جوان ترک کرد؛ عشق ورزید؛ مورد بی‌مهری قرار گرفت؛ و زندگی‌اش در بدبختی و فلاکت به پایان رسید.»

همان‌طور که می‌بینید، برخلاف سنت‌های معمول رمان‌نویسی، نابوکوف به خواننده فرصت نمی‌دهد که خودش وقایع داستانی را گام به گام کشف کند. بلکه در ابتدای رمان کلیت داستان را «لو» می‌دهد و با این کار تعجب خواننده را بر می‌انگیزد. مایکل تولن این آغاز را «بازی برجسته و آگاهانه با انتظارات متعارف ما از امتداد رمان»^۳ می‌داند. یکی از عناصر اصلی در ابیات داستانی «تعلیق» است. چرمی هائورن تعلیق را این‌گونه تعریف می‌کند: «قرارگرفتن در نوعی هیجان شدت یافته در نتیجه تمایل به دانستن اینکه بعد چه اتفاقی می‌افتد و سرانجام چه خواهد شد»^۴. به عبارت دیگر، تعلیق عاملی است که خواننده را به ورق زدن و خواندن و پیش رفتن، و رسیدن به پایان داستان و می‌دارد. عامل تعلیق باعث ایجاد سؤالاتی در ذهن خواننده می‌شود که در روند خواندن اثر به پاسخشان دست می‌یابد. خواننده با خواندن پاراگراف آغازین خنده در تاریکی کلیت داستان را می‌داند. می‌داند که قرار است داستان شکست مردی به نام آلبینوس را بخواند. اگر قرار باشد داستان را به خاطر دانستن وقایع آن بخواند، عمل خواندن در همین ابتدای رمان به پایان می‌رسد. اما ماجرا به همین جا ختم نمی‌شود. خواننده بلافاصله با این عبارت روبه‌رو می‌شود:

«این کل داستان است و اگر در نقل آن لذت و منفعت مالی نبود

همین جا رهایش می‌کردیم؛ گرچه چکیده زندگی انسان را می‌توان بر سنگ قبری پوشیده از خزه جا داد، نقل جزئیات همواره لطفی دیگر دارد.»

رمان از همین آغاز حس تعلیق را در خواننده ایجاد می‌کند، اما هیجان ایجاد شده ناشی از میل به دانستن چگونگی وقوع ماجراست. نابوکوف در همان ابتدای رمان، توهم ارائه واقعیت را در ذهن خواننده درهم می‌شکند و او را متوجه ماهیت ادبیات می‌کند که علاوه بر ایجاد لذت برای خواننده، در پس آن دلایل مادی نیز وجود دارد. نویسنده می‌نویسد تا آموزش را بگذراند و خواننده می‌خواند تا لذت ببرد. و این لذت نه در دانستن وقایع داستانی، بلکه در کشف چگونگی وقوع رخدادها و نحوی ارائه آنهاست. منظور از «چگونگی» همان بازنمایی هنرمندانه ماده خام داستان است، و نابوکوف اهمیت چگونگی بازنمایی وقایع در یک اثر ادبی را برجسته می‌کند.

خنده در تاریکی به جای آنکه خود را در پس قواعد متعارف رمان پنهان کند، از همان ابتدا در مقابل چشمان خواننده عریان می‌شود و سعی نمی‌کند که واقعی به نظر برسد. این رمان خواننده را به تجربه متفاوتی از خواندن دعوت می‌کند که در آن می‌توان به ماهیت داستانی بودگی رمان آگاه بود و در عین حال از خواندن لذت برد.

1. Julian W. Connolly, ed., *The Cambridge Companion to Nabokov*, (Cambridge: Cambridge University Press, 2005), p3.
2. Patricia Waugh, *Metafiction: The Theory and Practice of Self-Conscious Fiction*, (London & New York: Rowledge, 1996), p2.
3. Michael Toolan, *Narrative: A Critical Linguistic Introduction*, (London: Routledge, 2000), p49.
4. Jeremy Hawthorn, *A Glossary of Contemporary Literary Theory*, (London: Arnold, 2001), p289.

تخفیف ویژه هفته کتاب در

انتشارات بدرقه جاویدان

خیابان ولی عصر. ابتدای خیابان دکتر فاطمی.

تلفن: ۴- ۸۸۹۷۵۵۸۱